



روشگاه علوم انسان و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

گذر و نطفه

سید حمید میر خندان

اخیراً همایش رسانه تلویزیون و سکولاریسم، از سوی مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، در قم برگزار شد. بی‌شک دغدغه هر فرد دین‌داری در مواجهه با رسانه دست کم در مواجهه ابتدایی با آن، این است که این پدیده چه نسبتی با مبانی و معارف دین، ارزش‌ها و آرمان‌های دین و بالاخره، فقه و دستور العمل‌های دین دارد و چه مقدار با آن سازگاری یا تنافی دارد؟ از آنجا که سکولاریسم به مثابه راهی بدیل و جایگزین، وجه غالب تفکر دوران معاصر، یعنی دوران مدرن در غرب است، برای دین‌داران، یافتن نسبت‌های سکولاریسم با این پدیده نیز لاجرم و به صورت تضمینی صورت می‌گیرد. به جاست در این زمینه، به چند نکته اشاره کنیم:

۱. برای سکولاریسم، تعاریف متعددی گفته شده و شاخص‌های چندی برای آن رسم شده است. در معادله‌یایی آن به زبان فارسی نیز این تعدد به چشم می‌خورد. اجمالاً سکولاریسم را می‌توان یک دیدگاه یا ایدئولوژی دانست که دین را به حاشیه می‌راند، مرجعیت دین را در امور فردی و اجتماعی کنار می‌گذارد و ادعای این را دارد که می‌توان بدون دین، امور انسان را در وجه فردی و جمعی اش سامان داد.

چنین تلقی‌ای لزوماً ضدیت با دین را در پی ندارد؛ چه در حیطه‌هایی، با دین همزیستی مسالمت آمیز اختیار کند و چه در حیطه‌هایی، مدعی جایگزینی آرام باشد. بنابراین، سکولاریسم خود را

جایگزین دین و در شکل تسامح آمیزش، بدیل دین معرفی می کند. در حالی که دین داران معتقدند که دین - در اینجا، اسلام منظور است - نه راهی در کنار دیگر راه ها، بلکه تنها راه است. سامان یافتن امور و راه یافتن انسان، جز با دین تحقق نمی پذیرد.

در بحث سکولاریسم، آنچه اهمیت دارد، بنیان های فکری آن است. با تکیه بر این بنیان هاست که سکولاریسم در حیطه های مختلف تعلیم و تربیت، معرفت شناسی، اخلاق، سیاست و نیز رسانه و ارتباطات، راه هایی را پیشنهاد کرده است. این بنیان ها به صورت فهرست وار عبارتند از:

ملی گرایی (ناسیونالیسم)، عقل گرایی (راسیونالیسم)، انسان گرایی (اومانیزم)، آزادی گرایی (لیبرالیسم)، فردگرایی (اندیویدیالیسم)، مارکسیسم، فرودینسم و... چنان که از این فهرست پیداست، سکولاریسم جریان های متضاد و متنافی را در خود جای داده است؛ اما هر چه هست، اینها در حیطه های مختلفه بحث را بدون ارجاع به دین و بدون در نظر گرفتن دین پیش می برند.

۲. مطالعات رسانه ای مجموعه مسائلی هستند که طیف وسیع و متنوعی از مباحث مربوط به رسانه را پوشش می دهند. این طیف شامل مباحث رسانه به مثابه یک پدیده تکنولوژیک و موجیت آن، نظریات رسانه، روش های پژوهش در رسانه، کارکردهای رسانه، اخلاق رسانه ای، ژانرها یا فرمت های برنامه ای و... است. پس این مسائل طبیعی از مباحث نظری را شامل می شود که به فلسفه بیشتر گرایش دارد تا مباحث کاربردی که با عمل بیشتر تماس دارد. حاستگاه این مباحث و تبویب آن در غرب بوده است. به عبارت دیگر، این مسائل به تدریج، در چند دهه، در غرب مطرح شده و

دربارۀ آن بحث و نظریه پردازی صورت گرفته است.

از این روی، بحث نسبت سکولاریسم با رسانه تلویزیون، در واقع بحث از بنیان‌های نظری سکولاریسم در موضوعات مختلف مطالعات رسانه ای است. البته در نسبت این مسائل به مبانی دین، می توان به مسائل جدید و حیطه های نوینی از بحث رسید؛ به گونه ای که در موضوعات و گسترۀ بحث و احیاناً در ثبوت مباحثه تحولاتی صورت گیرد.

۳. باید به طور اجمالی، این احتمال را در نظر داشت که دیدگاه های فلسفی و بنیان های نظری سکولاریسم در مطالعات رسانه ای تأثیر گذاشته است. اصل تأثیر گذاری و مهم تر از آن میزان تأثیر گذاری و چگونگی آن حیطه ای است که باید دربارۀ آن بررسی و تحقیق کرد. این بررسی و پژوهش، لاجرم در حیطه های مختلف مطالعات رسانه ای، خرد شده و نمی تواند به نگاه و بررسی کلی و کلان اکتفا کند. البته می توان با نگاهی کلی، اصل تأثیر مبانی نظری سکولاریسم را به منزله وجه غالب تفکر غربی در عصر حاضر - دوران مدرن - در رسانه به اثبات رساند؛ لیکن نگاه تفصیلی که برای نظریه پردازی دینی دربارۀ رسانه به کار می آید؛ پرداختن به نسبت این مبانی در مباحث یا مسائل مختلف رسانه ای است.

مطلب فوق می تواند دچار یک آسیب شود و آن اینکه هر نظریه و فکری، با پیش فرضی که دربارۀ تأثیر سکولاریسم در رسانه وجود دارد، سکولاریستی قلمداد شود یا سعی شود که در چهارچوب سکولاریسم گنجانده شود. در بحث و بررسی دربارۀ این نسبت باید از این دام گریخت.

و همواره این نکته را در نظر داشت که این نسبت یابی جنبه توصیفی دارد. از این رو، باید از این جنبه تجویزی مکتون پرهیز کرد؛ اینکه حتماً باید این بحث رسانه ای از سکولاریسم تأثیر پذیرفته باشد و حال وظیفه تبیین چگونگی تحقق یافتن آن است. شاید برخی موضوعات یا برخی از جنبه های یک موضوع، نسبت به سکولاریسم لا بشرط باشند.

۴. بررسی و پژوهش در این زمینه، می تواند زمینه های علمی را برای مطالعات دینی درباره رسانه فراهم کند. همچنان که می تواند عمق لازم را نیز بدان ببخشد. آنگاه پس از نسبت یابی مباحث و موضوعات مطرح شده در مطالعات رسانه ای با سکولاریسم و تبیین و تبیین میزان تأثیر گذاری، زمینه برای مطالعات دینی در رسانه فراهم می شود.

در نسبت سنجی دین و رسانه، می توان یا به نفی دیدگاه اتخاذ شده در مثلاً یک موضوع رسانه ای یا به قبول. در صورت عدم تأثیر پذیری از سکولاریسم. یا به تغییر و تحول آن اندیشید. در این صورت مبانی و نظریات مطرح شده در حیطه های مختلف مطالعات رسانه ای، رد یا قبول یا دچار تحول خواهند شد.

در پناه حق

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی